

حدیث و جایگاه آن در هرات

Hadith and its position in Herat

DOI: 10.64104/v2.Issue3-4.n4.2012

پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیبب بلخی^۱

چکیده

هرات در دوره خلافت حضرت عمر بن خطاب به دست احمد بن قیس تمیمی فتح شد. رشد و گسترش حدیث از اوایل قرن دوم هجری آغاز گردید.

روش محدثان هرات

در این بخش بررسی شده که محدثان هرات در زمینه حفظ و کتابت روایات حدیث، رویکرد خاص خود را داشتند.

ویژگی‌های مدرسه حدیثی هرات

در این بخش موضوعات زیر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند:

- محدثان بزرگ و مورد اعتماد هرات
- آن دسته از محدثانی که علاوه بر حدیث، تسلط کامل بر زبان عربی داشتند و کتاب‌هایی نیز در این زمینه تألیف کردند.
- برخلاف محدثان بلخ، محدثان هرات پیرو مذهب امام شافعی (رحمه الله) بودند.
- در پایان، ویژگی‌های مدرسه حدیثی هرات مورد بحث قرار گرفته که به مسائل زیر در آن اشاره شده است:
- هرات به عنوان مرکز علم حدیث و مرجعی برای طلاب علوم حدیث خدمت می‌کرد.
- پیش از این، شمار زیادی از محدثان بزرگ پرورش یافتند که به مراتب عالی در علم حدیث و نقد حدیث دست یافتند.
- تعداد بسیار زیادی کتاب در زمینه‌های مختلف علم حدیث مانند جرح و تعدیل، تاریخ، علم الرجال و غیره در این منطقه تألیف شد.

واژگان کلیدی: حدیث، مدرسه هرات، راوی، منهج محدثین

^۱. استاد دپارتمان تعلیمات اسلامی پوهنځی شرعیات و معاون علمی پوهنتون سلام کابل، +93788314991، prolbalkhi@gmail.com

از بسترهای مهم و مشهور حدیث در افغانستان شهرستان هرات است، هرات سرزمینی است که زادگاه علما و محدثان بوده شخصیت‌های برآزنده حدیث در این سرزمینی به میان آمده و در آن نشو و نما نموده بحیث علما و محدثان در جهان اسلام عرض وجود نموده کتابخانه‌ها و مکتبات جهان اسلام را با تألیفات، کتابها و نوشته‌های خویش غنی ساخته نامهای خویش را در تاریخ با خط زرین و درشت ثبت و سجل نموده اند.

موقعیت و اهمیت هرات

شهر هرات از مهمترین شهرها افغانستان امروز و خراسان قدیم است ازین رو شعرا و ادبای فارسی زبان در وصف آن سروده های سروده اند طوری که شاعری گفته است:

کرکسی پرسد از تو کز شهرها بهتر کدام - گر جواب راست خواهی داد او را گوهری

این جهان را همچو دریا دان خراسان را صدف - در میان این صوف شهره‌ری چون گوهری^۲

هرات را مؤرخان کلید آسیا و دروازه افغانستان بلکه دروازه قاره هند و مرکز ثقافتی و تجارتی منطقه و همزه وصل بین افغانستان و بلاد ماوراءالنهر و ایران دانسته اند.

یاقوت حموی در کتابش معجم البلدان گفته است: هراة مدینة عظيمة مشهورة من امهات مدن خراسان، لم ارا بخراسان عند کونی بها سنة 607 هـ مدینة اجل ولا أعظم ولا افخم ولا أحسن ولا اکثر اهلاً منها، فيها بساتین کثیرة ومياه غزيرة وخیرات کثیرة محشو بالعلماء ومملوء بأهل الفضل والثراء^۳ ترجمه: هرات شهری است بزرگ و مشهور، از مهمترین شهرهای خراسان است، هنگامی که من در خراسان در سال 607 هجری بودم در آنجا شهری بزرگ تر و عالیت‌ر و زیباتر و دارای باشندگان بیشتر از هرات ندیده‌ام در آن باغهایی بسیار و آبهای فراوان و خیرات زیاد است، هرات مملو از علماء و اهل فضل و دانشمند و ثروتمندان است.

با آنکه هرات را چنگیز خان و تیمور و فاتحان دیگر ویران و تخریب نمودند ولی بار دیگر این شهر در آن زمان آباد شد ابن بطوطة رحاله بزرگ اسلامی هنگامی که ازین شهر دیدن به عمل آورد بعد از آنکه مدت زمانی نزدیک به یک قرن خراب و ویران بوده دوباره آباد شده بود - در وصف آن گفته است: (وهی اکبر المدن العامرة بخراسان ومدن خراسان العامرة أربعة، ثنتان عامرتان وهما هراة ونيسابور و ثنتان خربتان هما بلخ ومرو، ومدینة هراة کبيرة عظيمة، کثیرة العمارة ولأهلها صلاح وعفاف..... وبلدهم طاهر من الفساد^۴ ترجمه: هرات از بزرگترین شهرهای آباد خراسان است و شهرهای آباد خراسان چهار است دوشهر معمور و آباد که هرات و نیشاپور است و دوشهری خراب که بلخ و مرو می باشد شهر هرات، شهر بزرگ و عظیمی بوده دارای آبادی زیاد است ساکنان آن مردمان صالح و عقیف بوده و شهرشان پاک از فساد است.

هرات همانگونه در اشعار فارسی از آن وصف شده در اشعار عربی نیز شعراء از آن توصیف به عمل آورده اند زونی می گوید:

هراة أردت مقامی بها - لشتی فضائلها الوافرة

نسیم الشمال وأعنا بها - وأعین غزلانها الساحرة

^۲- تاریخ هرات در عهد تیموریان ص 42

^۳- معجم البلدان مادة هراة ص ج

^۴- افغانستان من الفتح السلاوی ص 354

ترجمه: اراده نمودم که به هرات اقامت گزینم - بخاطر فضایل زیاد و متعدد آن - از آنجمله باد گوارای شمال وانگورهای او و چشمان سحر انگیز آهوان آن است.

فتح هرات

هرات در عهد عمر بن خطاب به دست احنف بن قیس تمیمی که یکی از قومندان عبدالله بن عامر بود فتح شد بدین ترتیب آفتاب اسلام در آنزمان به این سرزمین تابید تاریکی کفرو جهل ازین سرزمین پاک دامن برچید، احنف با لشکر بزرگی از راه طبسین وارد خراسان گردیده هرات را فتح، و صحرار بن الفلانی العبدی را به حیث فرمانروای آن گماشت. بلاذری در کتابش فتوح البلدان می گوید: عبدالله بن عامر شهر هرات را از راه مصالحه فتح نمود^۵ و برخی گفته اند هرات در زمان عثمان رضی الله عنه فتح شده است.^۶

راجح آنست که هرات برای اولین بار در زمان عمر بن خطاب فتح گردید سپس در زمان عثمان اهل هرات عهد و پیمان بشکستند تا آنکه عبدالله بن عامر بن کریز دوباره به آن یورش آورد و اهل هرات با وی به مصالحه پرداختند و از آن بعد هرات یکی از مراکز و پایگاه های مهم اسلام به شمار می رفت و تحت حکم خلافت اسلامی در زمان اموی ها و عباسی ها تا سال ۲۰۵ ه قرار داشت، اما هنگامی که طاهر بن حسین استقلال خراسان را در روز جمعه ۲۴ جمادی الاخره سال ۲۰۵ اعلان نمود هرات یکی از شهرهای بزرگ خراسان آزاد بود که به دولت طاهریان تعلق داشت آبادانی وازدهار و انکشاف ترقی هرات همانسان ادامه داشت تا آنکه چنگیز خان مغول هنگامی هجومش بر عالم اسلامی بر هرات استیلا یافت و در سال ۶۱۸ ه بود که فرزند چنگیز کاملاً بر هرات سیطره یافت ولیکن او خونریزی مردم هرات را جز از ۱۲ هزار لشکر سلطان محمد خوارزمشاه عفو نمود ولی یک سال ازین عفو نگذشته بود که خود چنگیز خان، خون باشندگان هرات را هدر اعلان نموده ایشان را به کشتارگاه دستجمعی سوق داد. سپس هرات مجد و عظمت گذشته اش را دریافت تا آنکه مرکز دولت تیموریان (فرزندان و نوادگان تیمورلنگ) گردیده، شاهرخ فرزند تیمورلنگ در بازسازی هرات اهتمام و توجه زیاد داشت از آنرو هرات در روزگار وی مرکز علم و فن و ادب شد.

ازدهار و انتشار حدیث در هرات

از آنرو که خورشید اسلام درین سرزمین به تابش آمد و نور درخشان اسلام تاریکهای جهل، ظلم، کفر شرک، والحاد را زدود و باشندگان این خطه پاک، تعالیم تابناک اسلام را اخذ و تلقی نمودند تا آنکه ایمان در اعماق دلهای شان رسوخ یافت و الگوی صلاح، عفت و دیانت شده شهر هرات یکی از مراکز مهم اسلامی گردید.

هنوز یک قرن از ورود اسلام در هرات سپری نشده بود که تعدادی زیادی از علماء، فقها، اهل لغت، مشایخ و زهاد در آن سرزمین بروز نمودند، این بدان خاطر که اهل هرات با اسلام ارتباط مستحکم یافته ارتباط و علاقمندی شدید با اسلام و تعلیمات اسلامی پیدا نموده به فراگیری علوم اسلامی پرداختند، که به صورت مثال به شرح حال برخی از آنان ذیلاً می پردازیم:

۱ - ابوعبید ابراهیم بن طهمان حافظ و مفسر که از فقهای اهل حدیث حساب می شود در هرات تولد یافت برای دریافت علم به سفرها پرداخت از جماعه از تابعین امثال عبدالله دینار و ابی حازم سماع حدیث نمود و در صلاح و تقوی به حدی

^۵ - فتوح البلدان ص ۲۸۸

^۶ - القلقشنندی ج ۴ ص ۳۹۳ - ۳۹۴

رسید که هرگاه درمجلس امام احمد از او نام برده می شد و او تکیه زده بود درست می نشست و می گفت: مناسب نیست که از صالحان و نیکان یاد شود و انسان تکیه زده باشد ابوعبید در سال 163 هـ چشم از جهان بست و از او کتابهای درس، فقه، مناقب و کتاب العیدین و کتاب التفسیر باقی مانده است.⁷

2- ابو خالد هیاج بن بسطام برجی و هروی فقیه و محدث که از علمای و محدثین مشهور هرات که در قرن دوم هجری درین شهر به میان آمده و به فراگیری حدیث و علوم دین پرداخته و در سال 177 هـ به رحمت الهی پیوسته است.⁸ هرچند که تاریخ متفق علیه راجع به شهر هرات بعد از فتح اسلامی در دو قرن اول به دست نیست ولی آنچه که مبرهن است و مؤرخان و بلدانین تقریباً به آن اتفاق دارند آنست که شهر هرات یکی از مراکز مهم خراسان بزرگ و از اهمیت سیاسی و مرکزی ویژه ای برخوردار بوده است.

و این اهمیت روی موقعیت جغرافیای هرات است که در چهار راهی طرق تجارتی قرار داشته است که نه تنها وفود تاجران به سوی آن می آمدند بلکه علماء، فقها و محدثین به سوی هرات رخت سفر بسته و در آنجا اقامت گزیده به تدریس و تعلیم می پرداختند.⁹

مقدسی در کتاب: أحسن التقاسیم " راجع به علوم و فنون شهر هرات یاد آورده و باشندگان آن شهر را به علم و فن وصف نموده و به تشدد و سختی ایشان در مصارف و به سرکشی طبیعت شان اشاره کرده است.¹⁰ هر چند مقدسی را در همه آنچه نوشته تأیید نداریم ولی برخی قرائنی وجود دارد که به بعضی از نوشته های مقدسی، دلالت و مقدسی را در برخی از ادعاهایش تأیید می نماید که این امر در تشدد ایشان در گفتگو های علمی و دینی شان ملموس است. ولی مطالعه کتابهای تاریخ و تراجم را ویان حدیث، برداشت خوب و فکر روشن از پیمانه اهتمام اهل هرات به علم و دانش، و از رغبت و تمایل بیش از حد ایشان به حدیث نبوی شریف - به ما می دهد زیرا ما مجموعه بزرگی از ستونهای علم و پایه های حدیث، فقه و لغت را درین خطه باستانی سراغ داریم که ازین سرزمین برخاستند و شهرت جهانی دریافته کتابخانه های دنیا را با نوشته ها، تالیفات و کتابهای شان مملو و منور ساخته اند.

اگر موضوع را بخواهیم روی گذار زمانی ردیف بندی نماییم تاریخ و کتابهای رجال حدیث - در حدود علم نگارنده - در قرن اول هجری از هیچ محدث مشهوری منسوب به این شهر نام نبرده و یاد نکرده است، و البته این بدان معنی نیست که علما و محدثین درین فتره در آنجا نبوده و یا اهل این سرزمین اهتمام به حدیث نداشته اند بلکه اسباب دیگری که اهل هرات را معذور می دارد در زمینه موجود بوده است: ازین اسباب:

یکم: اینکه دخول اسلام درین سرزمین متأخر بوده است، زیرا اسلام برای بار اول در عهد عمر بن الخطاب درین خطه داخل شد، بعد باشندگان آن نقض عهد نمودند، تا آنکه فتح اسلامی بار دیگر در زمان عثمان رضی الله عنه صورت گرفت، ازینرو سالهای که از قرن اول باقیمانده در حقیقت آغاز تلقی علم و حدیث بوده فرصتی برای جمع آوری مواد علمی قلمداد گردیده همزمان با آغاز قرن دوم هجری مدرسه حدیثی هرات شکل گرفته مجموعه از علما و محدثین و دانشمندان را به جامعه تقدیم

1- افغانستان و الادب العربی عبر العصور ص 38 - افغانستان من الفتح الاسلام ص 36 معجم المؤلفین 41/1، التهذیب ج 1 ص 129.

⁸ - تاریخ افغانستان بعد از اسلام ج 802/1 تهذیب التهذیب ج 5 ص 88

⁹ - سرگذشت پیرهرات ص 26 - 27

¹⁰ - احسن التقاسیم ص 307

نمود که برخی از آنها چون ابوسعید ابراهیم بن طهمان و ابو خالد هیاج بن بسطام از علما، محدثین و مفسرین مشهوری اند که قبلاً از ایشان ذکر نمودیم و اینک به ذکر برخی دیگری از آنها می پردازیم.

1 - عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر الطیار از بزرگان علما و فضلاء زمان خویش بوده و در علوم شرعی در عصر خود از همه اقران و همقطارانش جایگاهی فراتری داشت، شخص ارجمند و کریم النفس بوده و بر اظهار حق جرئت و دلاوری بی نظیری داشت، از دعوتکران مخلص به حساب می آمد، مردم را به حق و اسلام به صورت سری دعوت می نمود، و بدینوسیله محبت مردم را نسبت به خویش کسب کرد، با مردم معتبر و تهی دست یکسان تعامل داشت، و این سبب شد که مردم در نواحی مربوطات فارس و اصفهان به نام او خطبه بخوانند، مذکور در سال 124 هـ به شهادت رسید و در قریه کهندج در شهر هرات بخاک سپرده شده و هنوز قبرش در آنجا وجود دارد.¹¹

و بدین سان امثال ابو القاسم محمد بن امام جعفر الصادق و شیخ ابوليث فوشنجی و غیر آنان دیگر علما بارز و زاهدان مشهور در قرن دوم زندگی کرده اند.

و ناگفته نماند که وضعیت حدیث از آن روزگاران به بعد روز بروز بهتر و پررنگ ترمی شد، تا آنکه در قرن سوم و چهارم و قرنهای بعدی مجموعه ای از علماء و محدثین ثقات، ازین سرزمین تبارز نموده در فضای علمی و حدیثی هرات درخشیدند که از جمله می توان ابوولید احمد بن ابی رجاء عبدالله بن ایوب بن حنیفة هروی را نام برد که از اکابر علمای از قریه آزادان در شمال غربی هرات بوده و از شاگردان امام احمد بن حنبل و استادان امام بخاری و امام ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن دارمی صاحب سنن بوده، که هردو از وی در کتابهای خویش احادیث بی شماری را روایت می کنند وی در سال 232 هجری وفات که و در قریه آزادان به خاک سپرده شد.¹²

شخصیتهای مشهوری از محدثین بزرگ امثال ابو الولید که اساتید و مرجع علماء و طلاب علم بودند بی تردید اثر بزرگی در انتشار حدیث نه تنها در شهر هرات داشتند، بلکه در هرات و در شهرهای مجاور آن، که از آنها علما و طلاب حدیث به هرات قدوم می آوردند اثر گذار بودند - و در قرن سوم هجری مشایخ بزرگ و اعلام سترگ دیگری امثال خواجه علی موفق را سراغ داریم که مذکور در بغداد تولد یافته و در هرات متوطن شده و در سال 256 هجری در هرات چشم از جهان بسته و در آنجا به خاک سپرده شد¹³ و هم از محدثین بزرگ امام ابو الحسن کردی درین قرن چهره نمایی دارد که نامبرده در پهلوی شهرت در حدیث مهارت در فقه را با خود داشته، فقیه، دانشمند، حافظ و زاهد خوانده شده و بنا بر روایتی هشتاد هزار حدیث را حفظ داشت.¹⁴

و هرگاه به وضع حدیث و محدثان هرات در قرن چهارم متوجه شویم مجموعه بزرگی از ایشان را می یابیم که کتابها و تالیفات زیادی از ایشان در حدیث و علوم حدیث به جا مانده است، بگونه مثال ببینید: حسین بن ادريس بن المبارك بن هيثم هروی از محدثان بزرگ و مشهور هرات است، که برای فراگیری حدیث و علوم شرعی به دمشق، سفر نمود، و در آنجا از هشام بن عمار سماع حدیث کرد، و به بغداد رفت و در آنجا از عثمان بن ابی شیبة و محدثان دیگری حدیث شنید و تعداد

¹¹ - سرگذشت پیر هرات ص 229 و رساله مزارات هرات ص 8-9

¹² - سرگذشت پیر هرات ص 220 و رساله مزارات هرات ص 13 - تقریب

¹³ - رساله مزارات هرات ص 14-15-16 و سرگذشت پیر هرات ص 221

¹⁴ - دو مصدر و مأخذ گذشته

زیادی از مردم از او علم گرفتند و درس حدیث شنیدند امثال حام بن حیان و غیر او، واز مردان ثقات ومحدثان معتمد بوده ودرتاریخ کتابی دارد که به ترتیب حروف معجم همانند کتاب تاریخ کبیر بخاری تألیف نموده که در آن احادیث و اخبار زیادی را جمع آوری وتألیف ودرسال 301 هـ وفات نموده است.¹⁵

بدینگونه حدیث در شهر هرات رشد ونمو نمود ، سپس به روستاها ومناطق دور دست شهر، وشهرهای مجاور آن منتشر شد ، واز طرف دیگر طلاب هرات باسفرها ورحلات به بیرون از هرات وبانشست وملاقات های شان با امامان حدیث ، حدیث وعلوم شرعی را به هرات منتقل ساختند ، بنابراین هرات درین فتره زمانی شخصیت های علمی وحدیثی بزرگی را که نه تنها باعث افتخار هرات وافغانستان بوده بلکه جهان اسلام به ایشان افتخار می نمود به جامعه اسلامی تقدیم کرد که نامهایشان در تاریخ علماء ومحدثین با خط درشت وزرین ثبت شده است.

روش ومنهج محدثین در هرات

به ارتباط شیوه ومنهج محدثین در هرات با تعبیر دیگر، روش ومنهج مدرسه حدیثی هرات باید گفت که تقارب ونزدیکی زیادی بین ، محدثین دربلخ وروش محدثین در هرات وجود دارد واین بدان لحاظ که هر دو شهر از لحاظ مسافه جغرافیایی با هم نزدیک وروابط علمی در میان آنها موجود بوده وعلمای هر یک به شهری دیگر ، سفر های علمی ورحلات داشته اند. زیرا بلخ وهرات دوجزء مهمی از اجزاء خراسان بزرگ بوده طوری که در تعریف هرات به آن اشاره آمد. اینک به شرح وتفصیل برخی ازین مناهج وروش ها می پردازیم:

❖ واز روشهای محدثین در هرات جمع بین علم ظاهر وباطن وعلم شریعت وتصوف است ازین لحاظ بسا محدثین را در هرات سراغ داریم که در پهلوی اشتغال در حدیث وعمق در آن علم ، به تصوف وعرفان نیز ممارست داشتند¹⁶ بگونه مثال عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر که در سال 134 چشم از جهان بسته است از اکابر علما در حدیث وفقه ومعارف اسلامی وهم در تصوف از اقطاب زمانش به حساب آمده است¹⁷ وهمچنان امام عبدالله عبدالواحد بن مسلم بن عقیل که از علما و عرفایی هرات بوده واز محدثین کبار محسوب بوده در تاریخ نیز بدطولا داشته واز اولیای مشهور هرات بوده است.¹⁸

❖ وازمناهج وروشهای محدثین هرات آن بوده که تنها به قراءت و ثبت وضبط حدیث در کتابها واوراق اکتفا نمی کردند بلکه آن را در سینه هایشان حفظ واز حفظ وصدر خویش روایت می نمودند البته طریقه وشيوه متبع نزد علماء وحفاظ حدیث درهمه زمانها چنین بوده ومحدثین هرات نیز به همین منهج وشيوه روان بودند بگونه مثال امام ابوالحسن کردی هروی که در سال 255 هـ داعی اجل را لبیک گفته است هشتاد هزار حدیث را باسندش کاملاً حفظ داشت¹⁹ وهمچنین عبدالله بن عروه هروی محدث مشهوری که در سال 311 هـ چشم از جهان بست از جمله محدثین مشهور در حفظ حدیث بوده است⁽²⁰⁾ امثال اینان صدها محدث حفاظ درین خطه علم خیز وحدیث پرور

¹⁵ - معجم البلدان ج 5 ص 396 و 397

¹⁶ - ازین تعبیر فهم نشود که به تقسیم علم به ظاهر وباطن باورمندیم نویسنده

¹⁷ - رساله مزارات هرات ص 8

¹⁸ - رساله مزارات هرات

¹⁹ - رساله مزارات هرات ص

²⁰ - افغانستان من الفتاح الاسلامی ص 361

زندگی نموده که احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را در سینه های شان حفظ و ضبط نموده و به شاگردانشان از حفظ خویش روایت می نمودند.

❖ وهم از مناهج و شیوه های محدثین هرات آن بوده که گاهی به طلاب و تلامیذ خویش به وسیله نوشته و کتابت اجازه می دادند که مرویات شان را روایت کنند و این امر با مراجعه و خوانش بیوگرافی برخی از محدثین هرات روشن می شود، بطور مثال: عبدالله بن احمد بن محمد بن عبدالله ابوذر هروی که از محدثین مشهور هرات است به سوی مکه رفت و مدت زمانی در آنجا اقامت گزید و در میان عرب ازدواج کرد و هر سال ادای حج می نمود و صحیح بخاری را از سه تن از استادان و مشایخ حدیث: محمد بن المکی و ابی محمد عبدالله بن محمد حموی و ابو اسحاق مستملی اخذ و تلقی کرد، ابو الفضل بن خمیرویه هروی و ابو منصور نضروی و بشرین محمد مزنی و {افراد دیگری} از طبقه آنان گفته اند: که ابوذر هروی از مکه به ما نوشت و به روایت تمام احادیث و مرویاتش اجازه داد.²¹

❖ و از شیوه ها و مناهج مهم محدثین هرات می توان آنرا شمرد که محدثین تنها به روایت و نقل حدیث و حفظ لفظ آن بسنده نبوده بلکه با احادیث با فهم، استنباط و استدلال با آن می زیستند، در تحلیل و تجزیه حدیث دقیق شده از آن مسائل را بیرون آورده علت حکم را در حدیث دریافته و مسایل که در آن نص وجود نداشته از باب حمل مانند برمانند قیاس را بکار می بردند.

که می توانیم مثال آنرا در امثال امام ابوعلی حامد بن محمد بن احمد رفاع سراغ کرد که از محدثین مشهور هرات بوده و از استادان فقه و اجتهاد خوانده می شود نامبرده در سال 356 هـ در هرات فوتیده و در داخل شهر هرات دفن گردید.²² نا گفته نماند که جمع بین حدیث و فقه از منہج و روش اکثر علماء در بلدان اسلامی در قرنهای اولی بوده ولی این روش در بلخ و هرات شکل و صورت ویژه ای داشته است، چه درین دوشهر بزرگ خراسان هر محدثی را که سراغ می کنیم او فقیه، و هر فقیهی را که در می یابیم او محدث است، فقه و حدیث درین دوشهر دوشادوش حرکت داشته و یکجا پیش می رفته و همواره در علماء جمع می شده است، برآستی محدث که فقیه نباشد موارد تطبیق حدیث را نمی شناسد و فقیه که محدث نباشد دانشش بی اساس و فقیه بی دلیل است، بناءً فقه و حدیث حیثیت سقف و اساس، (تهداب) را دارند. اساس حدیث و سقف، عبارت از فقه است، که برآن بنا یافته است، پس چه خوب است حدیث و فقه در شخصی که جمع شوند، و محدثین هرات از این نعمت برخوردار بودند، شخصیتهای چون کنانه بن جبلة هروی و ابو خالد هیاج بن بسطام تیمیمی و معمر بن حسین هروی و غیرهم ستارگان فقه و کواکب درخشان حدیث در آسمان علمی هرات بودند.²³

❖ و ما در میان محدثین هرات مجموعه زیادی از ایشانرا سراغ داریم که به مصداق حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم: {ان البذاذة من الايمان}²⁴ ترجمه: تقشف از ایمان است، زاهدانه زندگی نموده و به زندگی قناعت آمیز به سر برده اند.

²¹ - التفتید لمعرفة رواة السنن والمسند ص 391- 392

²² - رساله مزارات هرات ص 20

²³ - افغانستان والادب العربی عبر العصور

²⁴ - ابوداود در کتاب الترجمه وابن ماجه در زهد آورده نگا: بذل المجهود: 17 ص 45... 358

بسیاری از علما و بویژه محدثان در هرات به شیوه صحابه و سلف صالح زندگی اختیار نموده و به آنچه میسر بود قناعت داشته و از صبر و شکیبایی برخوردار بوده با دنیا و متاع و آلائش اعتنا و اهتمام نداشتند. و این ابو عبدالله محمد بن الیمان متوفای 416 هـ است که از بزرگان مشایخ حدیث شمرده شده است، و او کسی است، شیخ هرات خواجه عبدالله انصاری از وی روایت نموده و راجع به او گفته است: من از شیخ بزرگ که چشمم مانند او را ندیده است حدیث روایت می کنم، او شخصیت دانشمند، زاهد و محدث زمانش بوده و به روش صحابه و سلف صالح رضی الله عنهم زندگی داشت.²⁵

❖ تالیف و تصنیف در علوم مختلف، از مناہج و روشهای محدثین هرات می باشد، علما درین سرزمین، کتابها و رسالههای در حدیث، فقه، تاریخ و غیره به تألیف رسانیده که مورد استفاده طلاب علم و عامه مردم قرار گرفته است، بگونه مثال: شیخ هرات امام عبدالله انصاری چندین کتاب و تألیفات زیادی در علوم مختلف دارد، و همچنان حسین بن ادریس بن مبارک و برادرش یوسف بن ادریس هروی که هر دو از علماء ثقه در حدیث اند کتابها و تألیفات در فقه و علوم دیگر دارند.²⁶

❖ از شیوه و روش محدثین و علماء در هرات گرامیداشت قدر علم و احترام علماء و تقدیر از دانشمندان بوده، ایشان از یکطرف به علماء و محدثین، ارج می گذاشتند، و از طرف دیگر عزت نفس و حیثیت خویش را نگهداشته به درب امراء و ملوک برای تعلیم و آموزش اطفال و پسران شان نمی رفتند، بلکه امرا برای سماع حدیث، نزد ایشان می آمدند، حدیث و سائر علوم اسلامی را فرا می گرفتند، بگونه مثال ابو عبید القاسم بن سلام هروی که از بزرگترین اعلام فقه و حدیث است، کتابهای زیادی را که مشهورترین آنها کتاب غریب الحدیث است تألیف نموده که احمد بن حنبل آنرا وصف کرده است، علی بن المدینی و عیاض عنبری در حالیکه از علماء برجسته حدیث اند به سوی او آمدند که تا از وی حدیث بشنوند اما ابو عبید بخاطر تعظیم و بزرگداشت علم آنان به منزل ایشان رفت ولی همین ابو عبید از رفتن به خانه امیر طاهر بن الحسین انکار و امتناع ورزید و امیر خودش برای سماع علم به نزد وی می آمد و از او علم می آموخت.²⁷

علما و محدثین هرات به این ترتیب و چنین شیوه، قدر علم، کرامت علماء و عزت نفس خویش را حفظ نمودند.

❖ و از مناہج و روش محدثین در هرات اهتمام و توجه به سند عالی است، ازینرو برای این مطلب از شهری به شهری سفر می نمودند تا حدیث را به سند عالی روایت نمایند، رسیدن به سند عالی از بزرگترین آرزوهای محدثین بوده است لذا محدثینی را سراغ داریم که در لحظات مرگ خویش هنگامی که برایش گفته می شود چه اشتها دارید؟ می گوید: خانه خالی از انسانها و سند عالی را می خواهم.

بدین شیوه علما و محدثین هرات برای دریافت سند عالی از هرات به مکه، مدینه، بغداد و دیگر شهرها رحلات و سفرها داشتند، تا احادیث را از شیوخ و استادان که سند ایشان به رسول الله صلی الله علیه وسلم نزدیکتر است، روایت کنند، که در بیوگرافی و شرح حال برخی از محدثان که یاد آور شدیم از سفرهایشان ذکر بعمل آوردیم.

²⁵ - رساله مزارات هرات ص 26 - 27

²⁶ - افغانستان من الفتح الاسلامی ص 357

²⁷ - افغانستان من الفتح الاسلامی ص 357-358

مبحث چهارم

ویژگیهای مدرسه حدیثی هرات

مدرسه حدیثی هرات با تبارز دسته بزرگی از محدثین، درین سرزمین مبارک، شکل گرفته است، و البته توجه و اهتمام باشندگان این خطه به علم و حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم در شکل گیری آن نقش و اثر بارزی داشته که در نتیجه، از فرزندان این خاک تعداد زیادی از متخصصین در حدیث و اشتغال دارندگان به آن، به میان آمده است.

بی تردید هر محیط و جامعه، خصوصیات و ویژگیهای از خود دارد که در کیان فکری و تکوین علمی فرزندان آن اثر گذار است، بسا وقت نظام درسی و منهج علمی در یک محیط با نظام اجتماعی و سیاسی موجود در آن تفاعل نموده از آن متأثر می شود، بدین لحاظ مدرسه حدیثی هرات از یک سلسله ویژگیها و ممیزاتی برخوردار است که شاید این ویژگیها و خصوصیات، مدرسه حدیثی هرات را نسبت به مدارس حدیثی دیگر برتر و شگوفاتر نشان دهد، که اینک ما ذیلاً به برخی از این ویژگیهای اشاره می کنیم:

البته آنهایی که اشتغال به حدیث و علم حدیث داشته و دارند تعداد زیادی اند و لفظ محدث به هر آنکه اشتغال به حدیث و روایت آن داشته باشد اطلاق می شود لیکن محدثین ثقات و معتمد و اثبات، که قول آنان مورد اعتماد علما و دانشمندان برجسته این علم باشد تعداد شان به آن مقدار زیادی نیست که در هر جای و هر منطقه، به کثرت پیدا شوند، ازین لحاظ از خصوصیات و ویژگیهای مدرسه حدیثی هرات یکی هم اینست:

الف - اکثر محدثین در هرات ثقات و اثبات بوده علما برجسته حدیث و اهل جرح و تعدیل به ثقة بودن و اخذ به قول آنان اتفاق کرده اند و برای توضیح این مطلب و اثبات این مدعا به ذکر چند مثالی ازین محدثین ثقات می پردازیم:

1- عبدالله بن محمد بن علی بن محمد ابو اسماعیل حافظ، انصاری، هروی است که ابوبکر بن نقطه در موردش گفته است: الحافظ الثقة المأمون "عبدالله حافظ حدیث، ثقة و معتمد، امانتداری اش در حدیث پذیرفته شده است، ذهبی در تذکرة الحفاظ و سیر اعلام النبلاء او را آورده و از ثقات، اثبات شمرده است، و ابو عبدالله حسین بن محمد بن الحسین گفته است عبدالله بن محمد انصاری، ناصر السنة، بیگاه روز جمعه 22 ذی الحجة سال 481 هـ از جهان رفته است، و مؤتمن بن احمد الساجی گفته است: عبدالله بن محمد انصاری از سلاطین علماء بوده و در زبان تذکیر و تصوف آیه و نشانه بزرگی بوده است.²⁸

2- ابو عبدالله بن عباس ابن ابو ذیل هروی که از راویان ثقات حفاظ بوده و در سال 378 هـ از جهان چشم بسته است.²⁹
3- قاضی ابو عاصم محمد العبادی هروی که از محدثان هرات بوده ابن خلکان راجع به وی گفته است: کان اماماً متقناً دقیق النظر له مصنفات كثيرة أكثرها فی الفقه "ابو عاصم امام کامل دارای دقت نظر بوده کتابهای بسیاری داشته که اکثر آنها در فقه می باشد و از کتابهای مشهور آن: ادب القضا و الهادی الی مذهب العلماء و المبسوط است.³⁰

با - از ویژگیهای مدرسه حدیثی هرات اینست که اکثر آنهایی که در حدیث مهارت داشتند در لغت عربی نیز تبحر حاصل نمودند و ما هنگامی که بیوگرافی محدثین هرات را می خوانیم می یابیم که بیشتر آنهایی که در حدیث، شهرت یافته اند،

²⁸ - التقبید فی معرفة رواة السنن و المسانید ص 322 - 324 و تذکرة الحفاظ 1183/3 و سیر اعلام النبلاء 503/18

²⁹ - دافغانستان نومیالی ج 2 ص 25 و آریانا دائرة المعارف 756

³⁰ - افغانستان من الفتح السلامی ص 358 - 359

ایشان در قطار لغویین محسوب شده و مهارت شان در لغت کمتر از شهرت شان در حدیث نبوده است، و بدین لحاظ می توانیم که این امر را از ویژگیهای مدرسه حدیثی هرات قلمداد کنیم، زیرا در سایر مناطق افغانستان بدین شکل و پیمانه سراغ نداریم که متخصصین حدیث ماهرین لغت بوده باشند، و اینک به ذکر برخی ازین شخصیتها ذیلاً می پردازیم.

1- ابو منصور محمد بن احمد بن طلحة ازهری فقیه و محدث که تابع مذهب امام شافعی بوده و امام لغت و ادب می باشد، نخست به حدیث و فقه اهتمام نموده و در آن شهرت یافت، سپس تبحر در لغت و ادب بروی تغلب نمود، ازینرو به خاطر آن به قبائل و اطراف سفرها کرد، و کتابهای نوشته که از مشهورترین کتابه هایش تهذیب اللغة، غریب الالفاظ التی استعملها الفقهاء، تفسیر القرآن و فوائد منقوله عن تفسیر المزی، می باشد و در سال 370 هجری در هرات چشم از جهان پوشید.³¹

2- ابو اسحاق ابراهیم بن محمد بن ابراهیم هروی که از علمای بزرگ بوده از ارکان علم، سماع حدیث نموده، سفرهای هر طرف داشته امام، فقیه و ماهر در اصول و علم کلام و آگاه در احادیث بوده با علمای بزرگ نشست و برخاست دانسته، کتابها و مؤلفات زیادی از وی مانده است، که مشهورترین آنها:

1- جامع الجلی والخفی فی اصول الدین.

2- نورالعین فی مشهد حسین.

3- ادب المجلة.

4- العقیده- و کتابهای دیگر.³²

3- ابو عبیده احمد بن محمد بن عبدالرحمن القا شانی که نامبرده محدث، فقیه و لغوی مشهور بوده از علمای بزرگ به حساب می آید، و صاحب دو کتاب الغریبین است که در آن غریب القرآن و غریب الحدیث را تفسیر نموده و از قریه قاشان یکی از روستاهای هرات است و در سال 401 وفات نموده است.³³

اینها و امثال شان محدثین مشهوری بودند که در لغت و ادب نیز به کمال و مهارت رسیده بودند و روی این امر می توانیم به جزم بگوییم که مدرسه حدیثی هرات نسبت به مدارس حدیثی دیگر، در افغانستان، به ویژگی کثرت محدثین لغوی، و مدرسه حدیثی بلخ به ویژگی کثرت محدثین فقیه، اختصاص یافته است.

ج - واز ویژگیهای مدرسه حدیثی هرات آنست، که اکثر محدثین هرات، پیرو مذهب امام شافعی بوده اند، برخلاف محدثین بلخ، که اکثریت قاطع آنان به مذهب امام ابوحنیفه انتما داشته اند، و هرگاه باحث و محقق به طبقات الشافعیه مراجعه نماید و آنرا صفحه زند در می یابد که اکثر محدثین هرات در طبقات الشافعیه درج بوده و بر مذهب امام شافعی منسوب بوده اند بگونه مثال:

1- ابو احمد منصور بن محمد ازدی هروی از محدثین هرات است واز زمره علمای است که جمع بین علم و ادب نموده واز علمای شافعیه است، کتابها و رساله ها دارد، مذکور، نویسنده، شاعر، عالم و محدث بود، در سال 440 از جهان چشم بست.³⁴

³¹ - افغانستان من الفتح اسلامی ص 356 الاعلام للزرکلی

³² - دافغانستان نومیالی ج 1 ص 202 و آریانا دائرة المعارف ج 5 ص 9

³³ - افغانستان والادب العربی عبر العصور ص 226 والطیفات الکبری 81/4 البلادیة النهایة ج 11 ص 344

³⁴ - طبقات الشافعیة ج 4 ص 196 و افغانستان والادب العربی ص 304

2- ابو منصور محمد بن احمد بن طلحة مشهور به ازهری، از بزرگترین فقهای شافعی است، که دارای مؤلفات و کتابهای زیادی است، قبلاً از بیوگرافی آن ذکر بعمل آمد.

3- محمد بن احمد هروی فقیه ومحدث بوده از مذهب امام شافعی پیروی می کرد، و کتابهای در فقه شافعی تألیف کرده است.³⁵

بدین سان تعداد زیادی از محدثین هرات اند که ایشان در فقه شافعی تبارز نموده و در پهلوی مهارت و شهرت شان در حدیث به حیث فقهای برجسته و نامور عرض اندام نموده و شناخته شده اند که مدرسه حدیثی هرات را ویژه گی خاص بخشیده اند.

ولی در باقی ویژگیها و خصوصیات چون حفظ حدیث، نگارش آن، تألیف وتصنیف در حدیث، اهتمام به قضایای جرح وتعديل واسناد، سفرها برای طلب حدیث، محدثان هرات همانند محدثان بلخ در همه عرصه های مذکور نشاطات و فعالیتهای داشته اند که می توانیم بگوییم که در ممیزات مذکور این دو مدرسه باهم وجوه مشترک دارند.

دست آوردهای این مدرسه در مجال حدیث

علم حدیث در شهر هرات بانشاط علماء وطلاب آن نشأت نموده رشد ونمو کرد، تا آنکه مدرسه حدیثی هرات شکل گرفت، وهرات مرجع علماء وطلاب برای اخذ علم وسماع حدیث شد، طوری که حافظ ابرو یکی از تاریخ دانان افغان گفته است: قیه الاسلام هرات قبله احرار وابرار وکعبه اشرف واحبار ومركز اهل بر وتقوی، مامن زهاد وعباد ومسکن افطاب واوناد گشته.

36

واز دست آورده ونتایج سعی وتلاش اهل هرات به علم، تعداد مدارس شرعی در هرات در زمان غوریها به 359 مدرسه می رسید، وهرات در جزء شرقی از عالم اسلامی مرکز علم وادب وروایت گردید، که از آن محدثین ثقاتی بروز نمودند که در اطراف واکناف شهرت یافتند، وکتابخانه های اسلامی را با تألیفات ومصنفات بزرگ شان در حدیث وعلوم آن، ودر فقه، تفسیر، تاریخ وغیره غنامند ساختند که از آنجمله می توان به شخصیتهای ذیل اشاره کرد.

1- حسین بن ادريس بن مبارک بن الهیتم بن زیاد هروی مؤلف وصاحب تصانیف در حدیث کتابی در تاریخ مانند کتاب تاریخ کبیر بخاری بر حروف معجم تصنیف نموده که در آن احادیث و اخبار زیادی را آورده است ودر سال 301 هـ از جهان رحلت نموده است.³⁷

2- شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری از فرزندان هرات زاده مدرسه حدیثی هرات، کسی است که به علم، زهد، تقوی شهرت یافت وبا بدعات وخرافات مبارزه کرد، کتابهای وتالیفات زیادی دارد، از بزرگترین ومشهورترین علمای حدیث وفقه می باشد، علاوه براینکه در زهد، شهرت داشته است، ودر سال 481 از جهان چشم پوشیده.³⁸

بصورت فشرده مدرسه حدیثی هرات نتایج ذیل را ببار آورده است:

1- شهر هرات مهد علم حدیث ومرجع طلاب آن گردید.

³⁵ - افغانستان من الفتح الاسلامی ص 361

³⁶ - خراسان بزرگ ص 265-266

³⁷ - معجم البلدان ج 5 ص 396-396

³⁸ - طبقات الصوفیة ص 4

- 2- هرات تعداد زیادی از محدثین را که به قمه علم وبر درجه نقد وتنقیب رسیده بودند، پرورش داد
- 3- کتابها ومؤلفات زیادی در علوم مختلف حدیث چون جرح وتعديل تاريخ، رجال حدیث به دست تألیف قرار گرفت.
- 4- مدرسه حدیثی هرات مدرسه فقهی هرات را به زایش گرفت زیرا مبنای فقه کتاب وسنت است، پس از آنکه محدثین در هرات بروز نمودند دسته از آنها متصدی استنباط احکام فرعی از احادیث نبوی شدند، انگاه فقه نشو و نما نموده مدرسه فقهی هرات به میان آمد که ممیزات وخصوصیات ویژه اختصاصی یافت.

فهرست مأخذ ومراجع

1. احسن التفاسیم: تألیف محمد بن احمد بن عبدالله المقدسی، لیدن مطبعة بریل 1909 م
 2. الاعلام تألیف رزکلی - دارالعلم للملایین بیروت لبنان
 3. افغانستان والادب العربی عبدالعصور تألیف دکتور امان صافی - الطبعة الاولى المكتبة السلفية 1988 القاهرة
 4. افغانستان من الفتح الاسلامی الى الغزوالروسی تألیف د/محمد علی البار الطبعة الاولى، دارالعلم للطباعة والنشر، جدة السعودية.
 5. افغانستان نومیالی عبدالرؤف بینوا طبع وزارت اطلاعات وکلتور - کابل - افغانستان
 6. البداية والنهاية تألیف اسماعیل بن عمر بن کثیر - دارین کثیر بیروت لبنان
 7. بذل المجهود... تألیف شیخ خلیل احمد سهار نفوری، مطبعة ندوة العلماء لکنهو سال طبع 1392 هـ 1972 م
 8. تاریخ افغانستان بعد از اسلام / عبدالحی حبیبی طبع کابل
 9. تاریخ هرات در عهد تیموریان تألیف عبدالحکیم طیبی سال طبع 1368 انتشارات هیرمند تهران
 10. تذكرة الحفاظ: ابو عبدالله شمس الدین ذهبی، داراحیاء التراث العربی بیروت لبنان
 11. التقریب: ابن حجر عسقلانی طبع دارنشر الکتب الاسلامیة کوجرانواله پاکستان الطبعة الاولى
 12. التقبید فی معرفة رواة السنن والمسانید: محمد بن عبدالغنی ابن النقطة البغدادی دارالکتب العلمیة الطبعة الاولى 1988 بیروت
 13. تهذیب التهذیب: ابن حجر العسقلانی: حیدرآباد الدکن بالهند سنة 1325 هـ
 14. خراسان بزرگ: تألیف داکتر احمد رنجبر مؤسسه انتشارات امیر کبیر
 15. دائرة المعارف آریانا: وزارت معارف افغانستان انجمن دائرة المعارف کابل 1962
 16. رساله مزارات هرات تصحیح وتعلیق فکری سلجوقی چاپ کابل
 17. سرگذشت پیرهرات تألیف منصور الدین خواجه نصیری تهران، اقبال 1359 هـ
 18. سنن ابی داود: سلیمان بن اشعث سجستانی تعلیق عزت عبید حمص سال طبع 1388 هـ
 19. سنن ابن ماجه: محمد بن یزید ابن ماجه قزوینی دارالفکر بیروت سال طبع 1960
 20. سیر اعلام النبلاء: ابو عبدالله شمس الدین ذهبی مؤسسه الرساله الطبعة الثالثة سنة (1405) هـ
 21. طبقات الصوفیة: تألیف عبدالله بن محمد بن علی الانصاری، تحقیق وتعلیق عبدالحی حبیبی سال طبع 1314 هـ
- ش انجمن تاریخ وزارت افغانستان - کابل

22. طبقات الشافعية: تأليف تاج الدين ابونصر عبدالوهاب بن علي السبكي تحقيق عبدالفتاح محمد ومحمود محمد الطاحي عيسى الحلبي القاهرة الطبعة الاولى
23. الطبقات الكبرى: تأليف ابوعبدالله محمد بن سعد طبع دار صادر بيروت
24. فتوح البلدان: احمد بن يحيى ابوالحسن البلاذري، المكتبة النجارية القاهرة 1934 م
25. القلقشندی (نهاية الادب في معرفة انساب العرب) ابو العباس شهاب الدين احمد بن علي بن احمد القلقشندی.
26. معجم المؤلفين: عمر رضا كحاله ، مكتبة المثنى بيروت
27. معجم البلدان: ياقوت بن عبدالله ابوعبدالله الحموسي – احياء التراث العربى بيروت 1399 هـ